

روابط فرهنگی ایران و فدراسیون روسیه

الهه کریمی ریایی^۱

مهناز نوروزی^۲

چکیده

مؤلفه‌های فرهنگی یکی از بخش‌های مهم روابط بین‌الملل هستند و اندیشمندان معاصر تأکید فراوانی بر مسائل فرهنگی دارند. دیپلماسی فرهنگی، نمونه بارزی از به‌کارگیری قدرت نرم است تا زمینه نفوذ در طرف مقابل از طریق فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها فراهم آید. روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در سال‌های اخیر توسعه درخور توجهی در حوزه‌های گوناگون داشته است و کارشناسان روابط دو کشور بر این امر، اتفاق نظر دارند. اگرچه کفه ترازوی روابط در برخی حوزه‌ها مانند سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی سنگین‌تر می‌نماید اما روند رو به رشد در حوزه روابط فرهنگی، اجتماعی و انسانی نیز مشاهده می‌شود. در این پژوهش، ضمن مرور فعالیت‌های فرهنگی کشورمان در روسیه، رویکرد دیپلماسی فرهنگی بررسی می‌شود، همچنین به این پرسش پاسخ داده می‌شود که چه مؤلفه‌هایی از قدرت نرم در رابطه فرهنگی با کشور روسیه بیشتر مورد توجه بوده‌اند. در این راستا با بررسی اهم فعالیت‌های انجام شده توسط رایزنی فرهنگی و دیگر نهادهای فرهنگی ایرانی در روسیه، نقش آن‌ها در گسترش روابط فرهنگی دو کشور ارزیابی می‌شود. روش انجام پژوهش حاضر تحلیل محتوای کیفی و چهارچوب نظری، مبتنی بر نظریه قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی است.

واژگان کلیدی:

فرهنگ، دیپلماسی فرهنگی، ایران، فدراسیون روسیه، قدرت نرم، سیاست خارجی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

ekarimi@ut.ac.ir

۱. استادیار گروه مطالعات روسیه دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، ایران

mah.norouzi@atu.ac.ir

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات روسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

توجه به مفهوم فرهنگ در عصر حاضر افزایش چشمگیری داشته است. ادبیات مربوط به نظریه چندفرهنگی، توجه به تفاوت‌های فرهنگی و ارزش‌های منطقه‌ای خاص و همچنین رابطه آن‌ها با مسائل بین‌المللی مانند حقوق بشر همگی بر رشته روابط بین‌الملل تأثیرات پایداری داشته‌اند (ریوز، ۱۳۸۷: ۲۶۷). از طرف دیگر، پدیده جهانی شدن موجب شده است که کشورها ابزارهای مفهومی و فرهنگی خود را در رشته روابط بین‌الملل مورد پرسش قرار دهند. در جهان بینی اسلامی، فرهنگ به معنی خاص آن شامل نظام اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاقیات و رفتارهایی است که از وحی منبعث شده‌اند و به نظام‌ها و بخش‌های جامعه جهت می‌دهند. نظریه پردازان دیپلماسی فرهنگی معتقدند با استفاده از ابزارها و سازوکارهای فرهنگی می‌توان فرهنگ و تمدن یک سرزمین را به سرزمین دیگر منتقل کرد. دیپلماسی فرهنگی به عنوان شکلی از قدرت نرم می‌تواند زمینه‌ساز مبادلات فرهنگی شود و اشتراکات را تقویت نماید. از آنجایی که دیپلماسی فرهنگی تلاش می‌کند با استفاده از مؤلفه‌های فرهنگی، موجبات تأثیر بر افکار عمومی در دیگر کشورها را فراهم سازد، استفاده از آن موجب کسب اعتبار و گسترش نفوذ در عرصه بین‌المللی خواهد شد؛ در واقع دیپلماسی فرهنگی، نمونه بارز به کارگیری قدرت نرم است که به کشورها امکان نفوذ در طرف مقابل را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها می‌دهد.

به اعتقاد بیشتر کارشناسان، روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی در بسیاری از زمینه‌ها رشد و گسترش داشته است و یکی از حوزه‌هایی که جایگاه مهمی در روابط دو کشور دارد، حوزه فرهنگ است. این روابط، قدمتی در حدود پانصد سال دارد. در ۱۳۹۶ ایران و روسیه ۵۱۵ سالگی روابط دوجانبه خود را جشن گرفتند. موافقت‌نامه فرهنگی که میان دو کشور در ۱۳۴۵ به امضا رسید، اصلی‌ترین پایه قانونی برای فعالیت‌های ایران و روسیه به شمار می‌رود. کارشناسان روابط دو کشور، فروپاشی شوروی در ۱۳۷۰ را سرآغاز فصل جدیدی از روابط آنان در حوزه‌های مختلف و از جمله فرهنگی می‌دانند. پس از آن بود که فعالیت‌های فرهنگی کشورمان در روسیه و آسیای مرکزی گسترش یافت. از یک سو عوارض پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از هم‌گسیختگی نسبی ساختارها در فدراسیون روسیه و از طرف دیگر انگیزه جمهوری اسلامی ایران برای فعالیت‌های فرامرزی فرهنگی موجب شده‌اند که فعالیت‌های فرهنگی ایران در روسیه نسبت به فعالیت‌های فرهنگی روسیه در ایران، حجم و گسترش بیشتری داشته باشد. گشایش رایزنی فرهنگی

کشورمان در مسکو در ۱۳۷۸ با هدف تعمیق، توسعه و ارتقای سطح روابط فرهنگی میان دو کشور نقش بسزایی در این زمینه داشت. افتتاح این مرکز نقطه عطفی در تعامل فرهنگی دو کشور و تقویت روابط فرهنگی دوجانبه به شمار می‌آید (کریمی ریایی، ۱۳۸۸: ۱۷۷). مرکز روسی بررسی افکار عمومی^۱ در سال ۲۰۰۰ در یک نظرسنجی، نظر روس‌ها را درباره ایران بررسی نمود. بر اساس نتایج منتشرشده، ۷۰ درصد روس‌ها نظری مساعد و ۶ درصد نظر بسیار خوبی درباره ایران داشتند. این امر می‌تواند به‌نوعی بیانگر تأثیرگذاری فعالیت‌های فرهنگی صورت گرفته در روسیه باشد (Зотова, 2021: 163).

آلکساندر پالیشوک ضمن اشاره به جریان تحکیم روابط فرهنگی در سال‌های اخیر، تعطیل شدن مؤسسات فرهنگی شوروی در ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی و بازگشایی نکردن آن‌ها تاکنون را مانع تحکیم روابط دو کشور می‌داند. به اعتقاد وی، این مسئله می‌تواند نشانه تردید مقامات ایران برای گسترش همکاری‌ها در حوزه فرهنگی باشد (Полищук, 2019: 574). بر این اساس، مقاله حاضر به تبیین رویکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشور روسیه پس از فروپاشی شوروی می‌پردازد. در این راستا، مهم‌ترین نهادهای متولی فرهنگ در حوزه بین‌الملل در جمهوری اسلامی ایران معرفی و فعالیت‌های آنان بررسی می‌شوند. همچنین به این پرسش پاسخ داده می‌شود که چه مؤلفه‌هایی از قدرت نرم در رابطه فرهنگی با کشور روسیه بیشتر مورد توجه بوده‌اند؟ فرضیه پژوهش آن است که دیپلماسی فرهنگی ایران از تمامی ابزارهای موجود در فدراسیون روسیه استفاده نکرده است و کاربست مؤلفه‌های قدرت نرم کشورمان وجوه ناهمسانی دارد.

پیشینه پژوهش

در مقاله «مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی» (ذوالفقاری و دشتی، ۱۳۹۷) تلاش شده است با تبیین ظرفیت‌های قدرت نرم، راهکارهایی برای ارتقای جایگاه کشورمان در عرصه بین‌الملل و تقویت مناسبات خارجی ارائه گردد. محمدرضا دهشیری در مقاله «حکمت اسلامی و رویکرد تمدنی به دیپلماسی فرهنگی» (دهشیری، ۱۳۹۰)، موفقیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در گروی رویکرد تمدنی — تعاملی می‌داند. در مقاله «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان» (افضلی و دیگران، ۱۳۹۷)، شاخص‌های قدرت

^۱. ВЦИОМ

نرم و میزان اثرگذاری آن‌ها بر قدرت ملی کشورمان در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مشخص شده‌اند. نویسندگان مقاله روسی «قدرت نرم دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» (Курьлев, Никулин, Гончарова, 2017) تصریح می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر با اتکا به تمدن تاریخی خود از ظرفیت‌های قدرت نرم استفاده می‌کند. همچنین ایران بیشتر از کشورهای دیگر ظرفیت‌هایی برای نوع جدیدی از تأثیر در عرصه جهانی و به‌کارگیری قدرت نرم دارد. یکی از محدود پژوهش‌های فارسی که روابط فرهنگی ایران و روسیه را بررسی کرده، مقاله «روابط فرهنگی ایران و روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی» (کریمی، ۱۳۸۸) است. نویسنده، گشایش رایزنی فرهنگی کشورمان در روسیه را نقطه عطفی در فعالیت‌های فرهنگی ایران در روسیه می‌داند. در مقاله «توسعه روابط فرهنگی روسیه و ایران در آغاز قرن بیست‌ویکم» (Палищук, Соболева, Карими Риаби, 2018)، نویسندگان ضمن بررسی ویژگی‌های توسعه روابط فرهنگی میان دو کشور، خاطرنشان می‌کنند که نقش همکاری فرهنگی و قدرت نرم در تقویت نفوذ در منطقه دست‌کم گرفته شده است. آلکساندر پالیشووک نیز در مقاله‌ای با عنوان «میراث تاریخی - فرهنگی ایران و روسیه: مشکلات و تضادها» (Полищук, ۲۰۱۹) نگاهی به تاریخچه روابط فرهنگی میان دو کشور ایران و روسیه داشته است.

بررسی مقالات نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های انجام‌گرفته، در پی تبیین دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران هستند و تاکنون به‌طور خاص دیپلماسی فرهنگی کشورمان در فدراسیون روسیه بررسی نشده است. با توجه به اهمیت دیپلماسی فرهنگی در تأمین اهداف سیاست خارجی و منافع ملی کشورمان، نویسندگان مقاله حاضر تلاش کرده‌اند با بررسی فعالیت‌های فرهنگی ایران در کشور روسیه، نمایی کلی از روابط فرهنگی را ترسیم و مؤلفه‌های برجسته در دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال روسیه را معرفی کنند.

مبانی نظری

اصطلاح قدرت نرم را برای اولین بار، جوزف نای^۱ در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی مطرح کرد. از دیدگاه وی، قدرت به دو بخش سخت و نرم تقسیم می‌شود. قدرت سخت برای اشاره به شالوده توانایی‌های نظامی و اقتصادی به کار می‌رود و قدرت نرم، توانایی یک کشور در وادارکردن کشورهای دیگر به خواستن چیزی است که خود می‌خواهد آن هم از راه

^۱. Nye

جاذبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی که در اختیار دارد (Nye, 2004: 24). قدرت نرم می‌تواند علایق و اولویت‌های مخاطب را به‌وسیلهٔ فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های مشروع و اخلاقی شکل دهد. روش‌هایی مانند استفاده از سرگرمی، رسانه، تبادلات دانشجویی و نهادها همگی مصادیق بهره‌برداری از قدرت نرم هستند؛ در واقع اطلاعات و ارتباطات یکی از منابع مهم قدرت نرم در روابط بین‌الملل هستند که توجه به آن‌ها موجب تقویت قدرت می‌شود. دیپلماسی عمومی نیز یکی از منابع اصلی قدرت نرم در معادلات جهانی و عرصهٔ بین‌المللی است که هر روز اهمیت آن بیشتر می‌گردد. یکی از راه‌های استفاده از قدرت نرم، بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی از طریق ایجاد ارتباط با مخاطبان عام در جوامع دیگر و تلاش برای ارائهٔ تصویری مثبت از کشور خود است تا منجر به تغییر نگرش‌ها شود (صدرپور و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

دیپلماسی فرهنگی حوزه‌ای از دیپلماسی است که از فرهنگ، هنر و آموزش در برقراری روابط با کشورهای خارجی استفاده می‌کند. دیپلماسی فرهنگی تلاش می‌کند با استفاده از فرهنگ، مؤلفه‌های فرهنگی مانند ایده‌ها، ارزش‌ها، اطلاعات، هنر، زبان و ادبیات بر افکار عمومی دیگر کشورها تأثیر بگذارد. در این رابطه، استفاده از دیپلماسی فرهنگی برای افزایش اعتبار و گسترش نفوذ ایران در عرصه بین‌المللی ضرورت دارد (سیمبر و مقیمی، ۱۳۹۴: ۸). به اعتقاد گیفورد مالون، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از معماری یک بزرگراه دوطرفه به‌منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و در عین حال تلاش برای دریافت تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آنان (Maleon, 1988: 12). اگرچه پیشبرد منافع ملی با به‌کارگیری ابزارهای فرهنگی ممکن است نتواند جایگزین سایر ابزارها نظیر اقتصادی، سیاسی و نظامی شود اما می‌تواند مکمل آن‌ها باشد (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۱۱۱)؛ در نتیجه یکی از بخش‌های مهم در روابط دوجانبه میان کشورها، روابط در حوزهٔ فرهنگی است که حتی می‌تواند منجر به افزایش روابط اقتصادی و سیاسی میان کشورهای مختلف گردد. در جهان امروز، روابط بین‌الملل دیگر انحصاری نیست و شامل شبکهٔ گسترده‌ای از بازیگران و حوزه‌های مختلف از جمله رسانه‌ها، فرهنگ، علم، فناوری، تجارت و آموزش است. بدیهی است که توسعهٔ راهبردهای دیپلماسی فرهنگی، نیازمند اتخاذ مفهوم واقع‌گرایانه‌تر از نقشی است که امروز جمهوری اسلامی ایران در جهان ایفا می‌کند. بر این اساس در ادامهٔ نوشتار، با شاخص‌ها و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران آشنا خواهیم شد.

۱. مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

برای بررسی رویکرد دیپلماسی فرهنگی کشورمان در روسیه ابتدا باید شاخص‌ها و مؤلفه‌های قدرت نرم مشخص گردند. کارشناسان و مراکز گوناگونی در سراسر جهان درباره این مسئله فعال هستند. مرکز دیپلماسی عمومی دانشگاه کالیفرنیا، جنوبی و شرکت ارتباطات پرتلند در لندن از مراکز مهمی هستند که سالیانه رتبه‌بندی شاخص قدرت نرم را تهیه و منتشر می‌کنند. این شاخص، رتبه‌بندی نفوذ هر کشور بر سایر کشورها را از طریق ابزارهایی به‌جز قدرت نظامی بر اساس مجموعه‌ای از داده‌های عینی می‌سنجد. از جمله این داده‌ها می‌توان به کیفیت نهادهای سیاسی، اعتبار جهانی نظام آموزش عالی، جذابیت نمونه اقتصادی، میزان محبوبیت جهانی فرهنگ، سطح توانایی شبکه دیپلماتیک و نقش هر کشور در ایجاد داده‌های دیجیتال در سطح جهان اشاره کرد (رفیعی قهساره، ۱۳۹۷: ۲۳). از نظر نویسندگان مقاله «مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، مؤلفه‌های مهم قدرت نرم ایران عبارت‌اند از: ۱. زبان و ادبیات فارسی؛ ۲. تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران؛ ۳. هنر ایرانی-اسلامی؛ ۴. مشاهیر ایرانی-اسلامی؛ ۵. خردگرایی؛ ۶. ظلم‌ستیزی، برابری خواهی و دادگری؛ ۷. فرهنگ و ارزش‌های اسلامی؛ ۸. اخلاق ایرانی-اسلامی؛ ۹. صنعت گردشگری (ذوالفقاری، دشتی، ۱۳۹۷: ۱۴۶-۱۳۶).

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در ۱۳۸۹ طی گزارشی، شاخص‌های فرهنگی کشورمان را برشمرده است. بر اساس آن، فرهنگ مکتوب، رادیو و تلویزیون، سینما و عکس، نمایش (تئاتر)، موسیقی، ادبیات، معارف، میراث فرهنگی، ورزش، گردشگری، هنرهای تجسمی، محیط‌زیست، فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور و بودجه فرهنگی شاخص‌های فرهنگی ایران هستند (صالحی امیری، محمدی، ۱۳۸۹: ۲۳۳). با توجه به مطالب ذکرشده می‌توان نتیجه‌گیری کرد که زبان و ادبیات فارسی، هنر، فرهنگ، تاریخ و تمدن کشورمان از مؤلفه‌های اصلی و مهم قدرت نرم هستند و باید جایگاه ویژه‌ای در دیپلماسی فرهنگی در خارج از مرزهای ایران داشته باشند.

۲. نقشه مهندسی فرهنگی به‌عنوان سند چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

بیشتر دولت‌ها با تعریف چشم‌انداز روابط فرهنگی خود با کشورهای دیگر، اسنادی را در این حوزه تدوین می‌کنند. یکی از اسناد عالی در حوزه فرهنگ ایران، نقشه مهندسی فرهنگی است. مهندسی فرهنگی، بستری برای دستیابی به فرهنگ مطلوب در سایه منابع

موجود است. نقشه مهندسی فرهنگی، درصدد اصلاح نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مبتنی بر فرهنگ مهندسی شده است. تدوین سند چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با تأکید مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۶ آغاز شد. اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، صاحب‌نظران برجسته، محققان، پژوهشگران، کارشناسان حوزه و دانشگاه و تعداد زیادی از متخصصان در تدوین این سند نقش داشتند. پیش‌نویس این نقشه، در بیش از ۱۵۰ جلسه شورای مهندسی فرهنگی بحث و بررسی شده است. برنامه چشم‌انداز سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۱ توسط رئیس‌جمهور امضا شد و سپس به تأیید مقام معظم رهبری رسید. این نقشه، جهات راهبردی سیاست جمهوری اسلامی ایران در حوزه فرهنگی را تا ۱۴۰۴ ترسیم می‌کند. اولویت‌های فرهنگی ذکر شده در این سند عبارتند از: ۱. هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی؛ ۲. نهاد خانواده و جمعیت؛ ۳. سبک زندگی اسلامی-ایرانی؛ ۵. هنر؛ ۶. قدرت نرم؛ ۷. اطلاعات، ارتباطات و رسانه؛ ۸. تعامل منطقه‌ای و جهانی؛ ۹. نظام فرهنگی فراگیر و کارآمد؛ ۱۰. محصولات و صنایع فرهنگی (نقشه مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۳: ۲۹). همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این سند توجه ویژه‌ای به به‌کارگیری قدرت نرم و تعاملات منطقه‌ای و جهانی وجود دارد. در بند هفده بخش اول سند آمده است که مخاطب این نقشه همه جامعه جهانی هستند. در این سند بر گسترش فرهنگ اسلامی-ایرانی در سراسر جهان و استفاده از سازوکارهای اجتماعی و اقتصادی در جهت نیل به اهداف تأکید شده است.

در نقشه مهندسی فرهنگی برای گسترش تأثیرگذاری و ارزش‌آفرینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی راهبردهای زیر مطرح شده‌اند: تثبیت، تعمیق و ارتقای نقش فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی در تعاملات و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ بهره‌گیری متوازن و مؤثر از ظرفیت‌های تبلیغی-دینی، رسانه‌ای، محیط مجازی، علمی-آموزشی، فرهنگی-هنری، سازمان‌های مردم‌نهاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در ارائه تصویری روشن از جمهوری اسلامی ایران و معرفی دستاوردها، الگوهای موفق و آثار فاخر فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی در عرصه بین‌الملل؛ تلاش برای حفظ و تقویت هویت دینی و ملی ایرانیان مقیم خارج از کشور و ارتقای تأثیرگذاری فرهنگی آنان؛ گسترش خط، زبان و ادب فارسی؛ بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت فرهنگ‌ها، تمدن‌ها، ملل، ادیان و جریان‌های عدالت‌خواه با تأکید بر مشترکات؛ چندجانبه‌گرایی، فراملی‌گرایی در مناسبات و تعاملات فرهنگی بین‌المللی با گسترش ائتلاف‌ها، تشکل‌ها و شبکه‌های فراملی و چندجانبه (همان: ۸۱-۸۰).

در راستای اجرای این سند، اقداماتی گنجانده شده‌اند؛ از جمله: سامان‌دهی نظام رصد، پایش، آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری در زمینه فرهنگی در سطح بین‌الملل؛ برنامه‌ریزی برای جذب و گسترش گردشگری خارجی به ایران به‌ویژه شیعیان و دیگر مسلمانان در زمینه‌های دینی، زیارتی، درمانی، فرهنگی و علمی؛ تأسیس و گسترش شبکه‌های مجازی بین‌المللی؛ برگزاری دوره‌های آموزشی بین‌المللی به زبان‌های مختلف در زمینه اسلام‌شناسی، شیعه‌شناسی، مکتب اهل‌بیت(ع)، ایران‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی؛ تدوین و اجرای سند جامع توسعه کمتی و کیفی مبادلات علمی و دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اعطای هدفمند بورس‌های تحصیلی به دانشجویان خارجی و گسترش شعب مادر دانشگاه‌های ایرانی در سایر کشورها؛ تدوین و اجرای سند گسترش خط، زبان و ادبیات فارسی در چهارچوب نقشه مهندسی فرهنگی. همچنین در راهبرد کلان ۱۳ سند، راهبری فعال جنگ نرم و ارتقای مؤلفه‌های قدرت نرم نظام اسلامی مطرح شده است. این بخش شامل ۲۱ اقدام ملی است که فقط چهار مورد از آن، ۱۲، ۱۵، ۱۶ و ۱۹، به بهره‌گیری از قدرت نرم در سطح فراملی و بین‌المللی اشاره دارند (همان: ۹۵-۹۳). در واقع به نظر می‌رسد تمرکز تدوین‌کنندگان در این بخش از سند، بیشتر بر استفاده از قدرت نرم در سطح داخلی است و آنچه در رابطه با به‌کارگیری قدرت نرم در سطح بین‌المللی ذکر شده است، کافی نیست. مسئله دیگری که در بحث و بررسی دیپلماسی فرهنگی کشورمان از اهمیت زیادی برخوردار است، شناسایی اصلی‌ترین متولیان فرهنگی در خارج از مرزهای ایران است.

۳. متولیان مهم فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در حوزه برون‌مرزی

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، از سازمان‌های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران است. این سازمان برای یکپارچه‌سازی فعالیت‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور در سال ۱۳۷۴ با طرح ادغام بخش‌های فرهنگی و تبلیغی نهادها و مؤسسات دولتی و عمومی فعال در خارج از کشور تأسیس شد تا تصویری روشن از فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی به جهانیان عرضه نماید. سازمان در بیشتر سفارتخانه‌های ایران نماینده دارد. از جمله مأموریت‌های این سازمان می‌توان به مدیریت و راهبری روابط فرهنگی بین‌المللی و سیاست‌گذاری، هماهنگی، هدایت، حمایت و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی-تبلیغی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به منظور تحقق اهداف نظام در این روابط اشاره کرد.

دو رکن اصلی سازمان عبارتند از: ۱. شورای عالی، متشکل از پانزده نفر از وزرا و شخصیت‌های علمی و فرهنگی مانند وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان رئیس شورا، وزیر امور خارجه، رئیس سازمان صداوسیما، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و دبیر کل مجمع؛ ۲. رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

معاونت بین‌الملل سازمان، عهده‌دار هدایت و هماهنگی فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور است و در قالب پنج اداره کل و در چهارچوب نمایندگی‌ها و رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور فعالیت می‌کند. اقدامات این نمایندگی‌ها شامل انجام تمامی فعالیت‌های فرهنگی مصوب، رصد اخبار و تحولات فرهنگی کشور محل مأموریت و انعکاس به مرکز، برگزاری هفته‌های فرهنگی، برگزاری هفته‌های فیلم، برپایی نمایشگاه‌های قرآنی، همایش‌ها و اجلاس‌های تخصصی فرهنگی و دینی، انعکاس دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، فراهم‌آوردن زمینه‌های ارتباطی میان دانشگاهیان، موضوعات مرتبط با ایرانیان خارج از کشور، گسترش زبان و ادبیات فارسی، گفت‌وگو و تعامل با ادیان و مذاهب مختلف و... است. لازم به ذکر است که مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی، مرکز گفت‌وگوی ادیان، مرکز آموزش و توسعه همکاری‌های علمی دانشگاهی، مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی، مرکز سامانده ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی در خارج از کشور و کتابخانه مرکزی و آرشیو اسناد به‌عنوان زیرمجموعه معاونت پژوهشی و آموزشی فعالیت دارند (سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۹). به این ترتیب می‌توان گفت این سازمان اصلی‌ترین و مهم‌ترین متولی امور فرهنگی در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی ایران است.

بنیاد سعدی: برای آموزش علمی و دقیق زبان فارسی با استفاده از امکانات آموزشی جدید، به سازمانی خاص نیاز بود که بتواند عموم علاقه‌مندان به این زبان را با ظرایف و لطایف ادبیات و محتوای غنی آن آشنا کند؛ از این‌رو، بنیاد سعدی در ۱۳۸۹ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و به‌منظور تقویت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور، ایجاد تمرکز، هم‌افزایی و انسجام در فعالیت‌های مرتبط با این حوزه و بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های موجود کشور تأسیس شد و در ۱۳۹۲ در سالروز بزرگداشت سعدی به‌صورت رسمی آغاز به کرد. درک این واقعیت که وظیفه آموزش زبان فارسی در جهان، پیچیده‌تر و سنگین‌تر از آن است که بتوان با سازوکار قبلی از عهده آن برآمد و همچنین لزوم تخصصی کردن آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبان‌ها منجر به تأسیس بنیاد سعدی شد.

بدین ترتیب مدیریت راهبردی و اجرای فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و رسانه‌ای در حوزه زبان و ادبیات فارسی در سطح بین‌المللی با هماهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بر عهده این بنیاد قرار گرفت

با تأسیس این بنیاد، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی از سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به بنیاد سعدی منتقل و بنیاد عهده‌دار وظایف آن در داخل و خارج از کشور شد. همچنین تمامی فعالیت‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در زمینه گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور از جمله اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان خارجی، تبادل استاد و دانشجو، اعطای فرصت مطالعاتی، انعقاد اسناد همکاری، اعزام استاد زبان فارسی، برگزاری دوره‌های آموزشی و حمایت از ایجاد و گسترش کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در کشورهای دیگر بر اساس سیاست‌ها و برنامه‌های بنیاد و در انطباق با سیاست‌گذاری‌های هیئت‌امنا بنیاد صورت می‌گیرد (سایت بنیاد سعدی، ۱۳۹۹).

فعالیت‌های فرهنگی ایران در روسیه

در ادامه، فعالیت‌های مهم فرهنگی نهادهای مختلف ایرانی در روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تشریح می‌شوند.

۱. رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو

در اولین گام به سراغ تارنمای رایزنی فرهنگی کشورمان در مسکو می‌رویم. اهداف و زمینه‌های فعالیتی رایزنی فرهنگی ایران در مسکو عبارت‌اند از: تلاش در جهت معرفی ایران امروز به‌ویژه تبیین مبانی و معرفی دستاوردهای انقلاب اسلامی و نظام؛ امضای توافق‌نامه‌های همکاری مشترک با مراکز دولتی، دینی، علمی، فرهنگی و هنری روسیه، برپایی همایش‌های علمی و اجلاس‌های بین‌المللی؛ انجام تحقیقات و پژوهش‌های فرهنگی و علمی؛ برگزاری جایزه علمی ایران معاصر؛ برگزاری هفته‌های فرهنگی و هفته‌های فیلم در مسکو و دیگر شهرهای روسیه؛ همکاری‌های رسانه‌ای و گردشگری؛ تأسیس موزه آثار هنری، تاریخی و معاصر ایران در مسکو؛ تأسیس و تقویت مراکز جدید ایران‌شناسی و اتاق‌های آموزش زبان فارسی؛ برگزاری المپیاد زبان فارسی و برگزاری جایزه ادبی فردوسی؛ برگزاری دوره‌های آزاد آموزش زبان فارسی و علوم دینی؛ اعزام دانشجو و استاد به ایران برای شرکت در دوره‌های دانش‌افزایی؛ چاپ و انتشار کتب و مجلات به زبان روسی؛ برپایی نمایشگاه‌های مختلف در

حوزه‌های تاریخی و معاصر ایران، قرآن، کتب اسلامی و نرم‌افزارهای رایانه‌ای؛ دعوت از گروه‌های موسیقی اصیل و معاصر ایران برای اجرا در برنامه‌های مختلف به‌ویژه مراسم نوروزی؛ شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب در مسکو؛ ایجاد بخش‌های کتابخانه، رایانه و اینترنت در محل نمایندگی؛ ارائه خدمات به بیش از ششصد تن از اعضای این بخش‌ها و ...

پس از افتتاح رایزنی فرهنگی کشورمان در مسکو در ۱۹۹۱، مراسم فرهنگی مختلفی از جمله یادبود مشاهیر ادبی، نمایشگاه هنر ایرانی و روزهای فرهنگ ایران با شرکت نوازندگان و هنرمندان تجسمی به‌صورت متناوب برگزار شد. در مارس ۲۰۰۱ و به‌ابتکار دکتر سنایی، مجسمه ابوالقاسم فردوسی در محوطه کتابخانه ادبیات خارجی روسیه رونمایی شد. در دانشگاه‌های روسی صاحب کرسی زبان فارسی، اتاق‌های ایران به رایانه‌های دارای نرم‌افزار فارسی، کتابخانه ادبیات کلاسیک و نشریات ایرانی مجهز هستند. کمک به انتشار آثار ایران‌شناسان روس و فراهم‌نمودن امکان سفر آنان به ایران و حضور در فرامی‌های علمی از دیگر فعالیت‌های رایزنی فرهنگی ایران در روسیه به‌شمار می‌آید. همچنین از سال ۲۰۰۰، به‌همت رایزنی فرهنگی، دانشجویان و استادان روسی‌زبان برای شرکت در دوره‌های آموزشی به‌صورت رایگان به ایران اعزام می‌شوند.

مجمع عمومی سازمان ملل به پیشنهاد محمد خاتمی، سال ۲۰۰۱ را «سال گفت‌وگوی تمدن‌ها» اعلام کرد. این امر موجب توجه ویژه به فعالیت‌های فرهنگی کشورمان در خارج از مرزها شد. به‌اعتقاد کورلیف و همکارانش، ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها، نقطه عطفی برای قدرت نرم ایران و حضورش در عرصه جهانی بود که متأسفانه آن‌طور که باید، گسترش پیدا نکرد (Курьлев, Никулин, Гончарова, 2017: 53). آقای خاتمی نخستین رئیس‌جمهوری کشورمان بود که در مارس ۲۰۰۱ از روسیه دیدار رسمی داشت. در آن سفر، سازمان «مرکز افتخار ملی روسیه» از تلاش‌های وی برای بهبود روابط با کشورهای غیراسلامی تجلیل کرد. این سازمان در سال ۲۰۰۳، جایزه بین‌المللی «آندری اولین رسول مسیح» را به پاس سهم ارزنده رئیس‌جمهور وقت کشورمان در گفت‌وگوی تمدن‌ها به وی اعطا کرد (Палищук, Соболева, Карими Риabi, 2018: 374).

نکته درخور توجه این است که بسیاری از رویدادهای مهم در همکاری‌های فرهنگی ایران و روسیه در دوران ریاست‌جمهوری خاتمی رخ داد؛ برای نمونه می‌توان به فعالیت‌های زیر اشاره کرد:

برگزاری اولین جلسه کمیسیون گفت‌وگوی دینی «اسلام-ارتدکس» (۱۹۹۷)، برگزاری نمایشگاه هنر ایرانی در کتابخانه دولتی روسیه (۱۹۹۸)، آغاز فعالیت نمایندگی فرهنگی

سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو (۱۹۹۹)، برگزاری نمایشگاه فرش ایرانی در موزه هنرهای شرقی (۲۰۰۰)، اهدای آلات موسیقی ایرانی به موزه مرکزی فرهنگ موسیقی گلینکا (۲۰۰۰)، آغاز انتشار مجله «پرسیا» توسط رایزنی فرهنگی ایران (۲۰۰۰-۲۰۰۴)، افتتاح مجسمه یادبود فردوسی در کتابخانه سراسری ادبیات خارجی روسیه (۲۰۰۱)، تجهیز اتاق‌های ایران در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقی روسیه (۲۰۰۵-۲۰۰۰)، برگزاری همایش بین‌المللی «گفت‌وگوی تمدن‌ها» در دانشگاه دوستی ملل روسیه (۲۰۰۲)، همایش بین‌المللی «گفت‌وگوی فرهنگ‌ها: حافظ، گوته، پوشکین» در مؤسسه ادبیات جهانی (۲۰۰۳)، دیدار میخائیل شویدکوی، وزیر فرهنگ روسیه از ایران (۲۰۰۳)، امضای موافقت‌نامه همکاری در ۲۰۰۴-۲۰۰۶ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و وزارت فرهنگ روسیه (۲۰۰۳)، برگزاری اولین مسابقات المپیاد زبان و ادبیات فارسی (۲۰۰۴)، برگزاری روزهای سینمای ایران در «خانه مرکزی سینما» با حضور مجید مجیدی، کارگردان (۲۰۰۵) (Ibid, 375).

لازم به ذکر است که غالب این فعالیت‌ها به پیشنهاد و ابتکار کشورمان صورت گرفتند. این اقدامات منجر به پدید آمدن فرصت‌های جدیدی برای نهادهای روسی شد تا برای همکاری بیشتر با ایران در حوزه‌های فرهنگی و انسانی تلاش کنند. به این ترتیب فعالیت انجمن ایران و روسیه که در ۱۹۹۴ توسط ایران‌شناسان مسکو تأسیس شده بود، به میزان چشمگیری افزایش یافت.^۱ گفت‌وگوی دینی «اسلام- ارتدکس» میان ایران و روسیه یکی از بخش‌های مهم فعالیت‌های فرهنگی دو کشور است. این گفت‌وگوها در ۱۹۹۵ با سفر مطران کریل، رئیس وقت بخش روابط کلیسایی خارجی کلیسای ارتدکس روسیه به ایران آغاز شد. وی در این سفر با آیت‌الله محمدعلی تسخیری، رئیس وقت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ملاقات کرد. پس از سفر متقابل آیت‌الله تسخیری به مسکو و ملاقات وی با پاتریاک آلکسی دوم، طرفین در مورد تشکیل کمیسیون مشترک برای بحث درباره مسائل مهم معاصر به توافق رسیدند. به این ترتیب، جلسات نمایندگان کلیسای ارتدکس روسیه و علمای کشورمان به صورت دوسالانه به ترتیب در مسکو و تهران برگزار می‌شوند. شخصیت‌های دینی دو کشور علاوه بر بحث درباره مسائل مختلف، از اماکن مقدس و تاریخی بازدید و با طلاب مدارس دینی صحبت می‌کنند. یازدهمین دوره این گفت‌وگوها در اردیبهشت ۱۳۹۷ در سازمان فرهنگ و ارتباطات برگزار شد.

۱. در سال ۲۰۰۹ نام آن به انجمن دوستی با ایران تغییر یافت.

یکی از اقدامات مهم رایزنی فرهنگی در مسکو حمایت از ناشران روسی و تلاش برای انتشار آثار فاخر ادبیات معاصر ایران در روسیه است؛ برای نمونه، انتشارات «آلتیا»^۱ در سن پترزبورگ در سال ۱۹۹۹ ترجمه روسی آثار شعرای موج نوی ایران همچون احمد شاملو، سهراب سپهری، هوشنگ ابتهاج، فروغ فرخزاد، فریدون توللی و... را با عنوان «شعرای نو ایران در کرانه نوا» منتشر کرد. این مجموعه توسط آندریوشکین^۲ و عبدولایوا گردآوری شده بود. استادان دانشگاه دولتی سن پترزبورگ و شاعران و مترجمان این شهر نقش ویژه‌ای در انتشار مجموعه مذکور داشتند. انتشارات سیوتوچ^۳ سن پترزبورگ به ریاست آندریوشکین با همراهی آکادمی ادبیات و هنرهای زیبای روسی در ژاوین^۴، مجموعه‌ای از نثر معاصر ایران «زیبایین ایرانی» را با حمایت مالی رایزنی فرهنگی کشورمان منتشر کرد. فصلنامه علمی-آموزشی «ایران-اسلاویکا» از سال ۲۰۰۴ توسط بنیاد تاجیک «احیای عجم» به سردبیری پروفیسور پریگارینا منتشر شد. این نشریه بیش از ۱۰ سال تنها مجله بین‌المللی روسیه بود که به چهار زبان چاپ می‌شد و مقالات شرق‌شناسان کشورهای مختلف و روایاتی از زندگی ایران‌شناسان کشورهای مستقل هم‌سود را منتشر می‌کرد. متأسفانه انتشار این مجله به‌علت مشکلات مالی در سال ۲۰۱۵ متوقف شد.

در سال ۲۰۰۵، سازمان غیردولتی ترویج روابط فرهنگی با ایران به نام «پرسیا» ثبت گشت. این سازمان به‌همت ایرینا آبرامنکو^۵ چندین سال در جهت اشاعه تاریخ و فرهنگ ایران فعالیت می‌کرد. همچنین در این سال، در کنسرواتوار خوش‌نهاد پیمان تهران «روزهای کنسرواتوار چایکوفسکی مسکو در ایران» برگزار شد. این مراسم موجب همکاری بیشتر روسیه و ایران در حوزه موسیقی شد. مارگاریتا کاراتیگینا^۶ رئیس مرکز علمی-هنری «فرهنگ موسیقی جهان» در کنسرواتوار مسکو نقش مهمی در ترویج فرهنگ موسیقی ایرانی دارد و متخصصانی در حوزه تئوری موسیقی ایران تربیت کرده است. این مرکز با مشارکت حسین نورشرق، خواننده کشورمان به‌عنوان مشاور مرکز، مداوم از هنرمندان برجسته ایرانی برای شرکت در جشنواره‌ها و برگزاری کنسرت در شهرهای مختلف روسیه دعوت می‌نمایند (Ibid, 376). بررسی اهم فعالیت‌های انجام‌شده توسط رایزنی فرهنگی در مسکو نشان می‌دهد که تمرکز کاری این نهاد بیشتر بر آموزش زبان فارسی، حمایت از ترجمه و نشر و

۱. Алетея (Aleteya)

۲. Андриюшкин (Andryushkin)

۳. Светоч (Svetoch)

۴. Державин (Derzhavin)

۵. Ирина Абраменко (Irina Abramenko)

۶. Маргарита Каратыгина (Margarita Karatygina)

ایران‌شناسی، معرفی فرهنگ و هنر ایرانی با رویکرد اسلامی است. بر این اساس به برخی از مؤلفه‌های مهم قدرت نرم مانند خردگرایی، ظلم‌ستیزی، اخلاق ایرانی-اسلامی و معرفی مشاهیر کشورمان توجهی نشده است؛ در واقع به نظر می‌رسد در فعالیت‌های صورت‌گرفته، بُعد مفهومی و معنایی که جنبه زیربنایی نیز دارد، مغفول واقع شده است.

۲. بنیاد مطالعات اسلامی (ابن‌سینا)

در ادامه روند گسترش فعالیت‌های فرهنگی کشورمان، بنیاد مطالعات اسلامی در ۲۰۰۷/۱۳۸۶ در روسیه تأسیس شد. حمید هادوی، رئیس بنیاد، پروفیسور پروزوروف^۱ از انستیتوی شرق‌شناسی و دکتر مهدی ایمانی‌پور، استاد دانشگاه تهران که در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۷ رایزن نمایندگی فرهنگی ایران در مسکو بود، در تأسیس این بنیاد نقش داشتند. فعالیت‌های بنیاد متمرکز بر حمایت مالی از تحقیقات علمی، برگزاری کنفرانس، سمپوزیوم، نمایشگاه، ترجمه آثار گوناگون به زبان روسی و اقدامات گسترده در حوزه نشر است. بنیاد مطالعات اسلامی در ۲۰۱۱، انتشارات صدرا را تأسیس کرد و در مدت پنج سال بیش از ۱۶۰ عنوان کتاب در رشته‌های مطالعات قرآنی، حدیث‌شناسی، فلسفه، تاریخ اسلام و ترجمه آثار نویسندگان ایرانی به زبان روسی با همکاری ناشران روسی منتشر کرد. بنیاد مطالعات اسلامی با بسیاری از مراکز دانشگاهی روسیه و به‌طور خاص با انستیتوی فلسفه روسیه رابطه تنگاتنگی برقرار کرده است و حضور چشمگیری در فعالیت‌های بین‌المللی و برگزاری آن‌ها دارد. این بنیاد در حال حاضر با نام بنیاد ابن‌سینا به فعالیت خود در روسیه ادامه می‌دهد. با توجه به تخصصی بودن فعالیت‌های بنیاد ابن‌سینا می‌توان گفت که این نهاد به‌خوبی از عهده وظایف محوله برآمده و ارتباطات سازنده‌ای با متخصصان روسی در حوزه‌های پژوهشی مزبور برقرار ساخته است.

۳. بنیاد بین‌المللی ایران‌شناسی مسکو

این بنیاد در ۲۱ دی ۱۳۸۶ برابر با ۱۸ ژانویه ۲۰۰۸ به‌منظور حمایت از مطالعات ایرانی در روسیه ثبت شد. بنیان‌گذاران آن، ایران‌شناسان برجسته روسیه یعنی یژوف^۲، واسکانیان^۳، پرگارینا^۴،

^۱. Prozorov (Prozorov)

^۲. Ezhov (Ezhov)

^۳. Voskanyan (Voskanyan)

^۴. Prigarina (Prigarina)

استبلین-کامنسکی^۱ و رویینچیک^۲ بودند. دکتر ایمان پور، رایزن فرهنگی وقت ایران در مسکو نیز به نمایندگی از کشورمان، عضو هیئت مؤسسان بنیاد شد. با پیوستن دکتر ابوذر ابراهیمی ترکمان به هیئت مدیره بنیاد در ۲۰۱۰، فعالیت‌های آن گسترش بیشتری یافت. در تابستان ۲۰۱۰، دکتر محسن حیدرنیا فعالیت خود را به‌عنوان مدیر بنیاد آغاز نمود. وی با حمایت سفارت و رایزنی فرهنگی، اولین کنفرانس سراسری ایران‌شناسان روسیه را در سطحی وسیع برگزار کرد. این بنیاد با حمایت از ایران‌شناسان معاصر، نسخ خطی ایرانی موجود در روسیه و انتشار مجلهٔ «ایرانیستیکا»، گامی مؤثر در شناخت جامعهٔ ایران از میان حدود ۱۲ هزار اثر به‌جای مانده از ایران‌شناسان روسی برداشته است (نوروزی، ۱۳۹۲). همچنین به‌ابتکار دکتر سنایی که در ۲۰۱۳ به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه انتخاب شده بود، همایش‌های سالانهٔ ایران‌شناسان و استادان زبان فارسی از ۲۰۱۴ در مسکو برگزار می‌شوند. در دسامبر ۲۰۱۵، قربانعلی ادریسوف، متخصص میراث مکتوب اسلامی به سمت مدیر بنیاد ایران‌شناسی مسکو منصوب شد.

بنیاد ایران‌شناسی مسکو در برگزاری سخنرانی صاحب‌نظران دربارهٔ ادبیات و تاریخ ایران و نمایشگاه‌های کتاب و هنر ایرانی نقش دارد. همچنین این بنیاد مسئول برگزاری مراسم اعطای جایزهٔ منطقه‌ای «کتاب سال» است که بخشی از مسابقات جایزهٔ جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. بنیاد علاوه بر حمایت از شرق‌شناسان روسیه، هزینه‌های انتشار مجموعهٔ گزارش‌های همایش‌های ایران‌شناسان روسیه را تقبل نموده و بر ترجمهٔ آثار نویسندگان کلاسیک و معاصر ایرانی به زبان روسی تأکید می‌کند. در حال حاضر، ریاست بنیاد بر عهدهٔ دکتر ایلینا زایتسف^۳، متخصص نسخ خطی اسلامی است. لازم به ذکر است که این بنیاد مهم‌ترین مرجع ایران‌شناسان روسی به شمار می‌آید و اگرچه از ابتدای تأسیس تاکنون با تغییرات ساختاری زیادی مواجه بوده؛ اما توانسته است نقشی مهم در حمایت و انجام فعالیت‌های علمی ایفا کند.

۴. مرکز اسلامی مسکو

تا چند سال پیش، شیعیان مقیم مسکو مکانی مناسب و اختصاصی برای انجام مراسم عبادی و فرهنگی خود نداشتند. در ۲۰۱۵/۱۳۹۳ با حمایت مالی کشورمان، مرکز اسلامی مسکو در آلتوفیسکی شوسه^۴ افتتاح شد. هم‌اکنون مرکز اسلامی مسکو با برگزاری مراسم دینی،

۱. Стеблин-Каменский (Steblyn-Kamensky)

۲. Рубинчик (Rubinchik)

۳. Пуя Zaytsev

۴. Алтуфьевской шоссе (Altufyevskoe Shosse)

فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغ و نشر معارف اسلامی یکی از مجامع فعال مذهبی روسیه به شمار می‌رود. مرکز اسلامی مسکو به منظور یاری‌رساندن به مسلمانان مقیم روسیه به‌ویژه پیروان اهل بیت (ع) و هم‌وطنان ایرانی در انجام وظایف و فعالیت‌های دینی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و ایجاد فضایی مناسب برای برگزاری مراسم دینی و شعائر اسلامی، اهداف زیر را دنبال می‌کند:

تبلیغ و نشر معارف اسلامی، گسترش و تعمیق آموزه‌های دینی و فرهنگی جهت حفظ و تقویت هویت اسلامی؛ پدیدآوردن زمینه و عناصر انسجام میان مسلمانان مقیم روسیه با توجه به چندفرهنگی بودن آنان؛ ایجاد روحیه مشارکت هر چه بیشتر میان مسلمانان برای فعالیت‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی؛ کوشش برای معرفی هرچه بهتر اسلام به غیرمسلمانان. این مرکز در راستای تحقق اهداف یادشده، برنامه‌های متعدد مذهبی و فرهنگی برگزار می‌کند. برگزاری نماز جماعت روزانه، مراسم دعا و نیایش، مراسم جشن ولادت و سوگواری شهادت ائمه (ع)، آموزش و تلاوت قرآن، جلسات سخنرانی، پرسش و پاسخ دینی و احکام و نیز برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌های علمی، فرهنگی و دینی، انتشار کتاب و جزوه، برگزاری اردوهای دانش‌آموزی شبانه‌روزی، آموزش زبان فارسی و تعلیمات دینی به زبان روسی از اهم برنامه‌های مرکز اسلامی است (سایت مرکز اسلامی مسکو). ایران با هماهنگی اداره روحانیت مسلمانان روسیه در تمام فعالیت‌های مسلمانان روسیه مانند انجمن‌های بین‌المللی آموزش و پرورش اسلامی، همایش‌های وحدت بین مذاهب، تجمع‌ها و انجمن‌های ضدتروریستی، مسابقات قرائت قرآن، مراسم جشن اعیاد فطر و قربان حضور فعال دارد و سالانه مراسم افطار را در «خیمه رمضان» ترتیب می‌دهد. هرچند مرکز اسلامی مسکو قدمت زیادی ندارد؛ اما در مدت فعالیت چندساله خود توانسته است جایگاهی مناسب در میان جامعه ایرانیان مقیم روسیه و شیعیان آنجا به‌خصوص آذری‌ها داشته باشد.

۵. مراکز فرهنگی تازه تأسیس

در شهریور ۱۳۹۵ برابر با سپتامبر ۲۰۱۶ به‌ابتکار ایران، انجمن ایران‌شناسان اوراسیا تأسیس و همایشی در دانشگاه علوم انسانی روسیه برگزار شد. انتظار می‌رود این انجمن، مطالعات ایران‌شناسان کشورهای مختلف منطقه را هماهنگ و از آن‌ها پشتیبانی کند. همچنین مرکز مطالعه میراث مکتوب ایران و اسلام وابسته به انستیتوی نسخ خطی شرقی فرهنگستان علوم روسیه در سن‌پترزبورگ افتتاح گردید. در سال ۱۳۹۶ (۲۰۱۷) با مشارکت رایزنی فرهنگی ایران، انجمن دانش‌پژوهان میراث مکتوب اسلامی و انجمن ایران‌شناسان جوان تأسیس شد. فعالیت‌های انتشارات جامعه‌المصطفی را می‌توان یکی از بخش‌های مهم

همکاری فرهنگی به حساب آورد. این نهاد، نویسندگان، مترجمان و مصححان مجرب را گرد هم آورده است و علاوه بر نشر کتب مذهبی در موضوع احادیث و تفسیر، از انتشار مجله «فرهنگ اسلامی» به زبان روسی برای استفاده معلمان مرتبط با امور اسلامی در مدارس روسیه حمایت می‌کند (Палищук, Соболева, Карими, 2018: 378).

نهادهای فرهنگی ایران همکاری بسیار گسترده‌ای با اتحادیه‌های هنری روسیه دارند؛ برای مثال در ۲۰۱۵ مسابقه «ایران از چشم هنرمندان روسی» با همکاری اتحادیه هنرمندان روسیه برگزار شد. همچنین «روزهای سینمای ایران» با همکاری اتحادیه سینماگران روسیه تقریباً به صورت سالانه برگزار می‌شود. علاوه بر آن، برخی از رسانه‌ها و خبرگزاری‌های کشورمان اخبار جهانی را به زبان روسی پوشش می‌دهند؛ برای نمونه می‌توان به خبرگزاری ایرنا اشاره کرد. همچنین بخش روسی رادیو صدای ایران کماکان فعال است. امکان شنیدن برنامه‌های این رادیو با همکاری سایت مولتی‌مدیای پارس تودی، روی موبایل نیز وجود دارد. لازم به ذکر است روزانه حدود ۲۵ هزار ایرانی به بخش فارسی خبرگزاری روسی اسپوتنیک^۱ مراجعه می‌کنند. وبلاگ‌های سفیران کنونی و سابق ایران در روسیه به زبان روسی نیز گامی موفق در ایجاد تصویری صحیح از کشورمان برای جامعه روسیه به شمار می‌آیند.

نتیجه

طی سال‌های گذشته و با افتتاح رایزنی فرهنگی کشورمان در روسیه، همکاری‌های دو کشور در حوزه فرهنگی پیشرفت داشته است و ابعاد گوناگونی را در بر می‌گیرد. نکته درخور تأمل این است که روابط فرهنگی ایران و روسیه حالتی نامتوازن داشته‌اند و نهادهای ایرانی به‌ویژه رایزنی فرهنگی کشورمان، بازیگر اصلی تعاملات فرهنگی میان دو کشور هستند. فقدان نمایندگی فرهنگی روسیه در ایران از یک سو و کاهش منابع مالی برنامه‌های فرهنگی در روسیه از سوی دیگر باعث شده است که ترازوی روابط در حوزه فرهنگی به سمت ایران سنگین‌تر باشد. بررسی فعالیت‌های صورت‌گرفته توسط نهادهای مختلف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که اگرچه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی متولی اصلی این فعالیت‌هاست و مقوله آموزش زبان فارسی بر عهده بنیاد سعدی است؛ اما نهادهای دیگری نیز در این حوزه‌ها مشغول فعالیت هستند. همین مسئله و تعدد مراکز فعال موجب شده است در برخی موارد وحدت رویه وجود نداشته باشد و شاهد اقدامات موازی باشیم. نکته درخور توجه این است تعدد مراکز فرهنگی

^۱. Sputnik

به خودی خود، ضعف محسوب نمی‌شود بلکه وجود مراکز تخصصی متعدد می‌تواند منجر به تفکیک دقیق‌تر حوزه‌های کاری و در نتیجه عملکرد بهتر هر نهاد گردد. فعالیت‌های بنیاد ابن‌سینا نمونه موفق‌تری در این حوزه به شمار می‌آید. باید در نظر داشت که تفکیک حوزه‌های تخصصی از یکدیگر نقش مهمی در برقراری ارتباط مؤثر با نهادهای فرهنگی روسی نیز دارد.

مسئله دیگری که نیازمند توجه بیشتر است، لزوم استفاده از مؤلفه‌های گوناگون قدرت نرم است. بررسی فعالیت نهادهای فرهنگی کشورمان در روسیه بیانگر آن است که عمده فعالیت‌های صورت‌گرفته، در حوزه زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ اسلامی و دینی است. هرچند ترویج فرهنگ دینی - اسلامی یکی از مؤلفه‌های اساسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است؛ اما باید به اقتضات فرهنگ روسی توجه کرد و بر اشتراکات شیعه با ارتدکس تمرکز نمود؛ زیرا عنصر مذهب در فرهنگ روسی جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از مؤلفه‌های مهم هویت روسی است. بی‌توجهی به مؤلفه‌هایی از جمله خردگرایی، ظلم‌ستیزی و دادگری، مشاهیر ایرانی - اسلامی و اخلاق ایرانی - اسلامی نیز مؤید ناهمسانی کاربست مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در روسیه است. همان‌طور که ذکر شد هرچند در ارتباطات فرهنگی باید به ویژگی‌های فرهنگ مقصد توجه ویژه داشت اما با در نظر گرفتن ویژگی‌های جامعه روسی و ذائقه مخاطبان روس می‌توان تنوع بیشتری در اقدامات فرهنگی ایجاد کرد و از دیگر مؤلفه‌های مؤثر قدرت نرم از جمله تئاتر، رادیو و تلویزیون و هنرهای تجسمی نیز بهره بیشتری گرفت. بدیهی است که متنوع‌سازی بسترهای روابط فرهنگی می‌تواند منجر به توسعه حوزه‌های غیرمستقیم مبادلات فرهنگی شود. کم‌توجهی به ظرفیت‌ها و الزامات فعالیت در بستر دیجیتال از مشکلاتی است که مسئولان فرهنگی باید هرچه سریع‌تر به آن توجه نمایند. هرچند صفحات اینترنتی و مجازی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روسیه فعال است اما به‌روزآوری و ارائه محتوای مناسب با نیازهای جامعه روسیه باعث افزایش تأثیرگذاری فعالیت‌ها می‌شود.

مسئله درخور توجه دیگری که در عرصه فرهنگی تاکنون مغفول مانده، استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد است. با توجه به اینکه گردشگری نیز یکی از بخش‌های مهم در دیپلماسی فرهنگی است، حضور بخش خصوصی و بهره‌گیری از توانمندی و ظرفیت‌های آن، به‌طور خاص می‌تواند موجب توسعه گردشگری شود. لازم به ذکر است که موضوع گردشگری به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در دیپلماسی فرهنگی دارد می‌تواند در مقاله‌ای مجزا بررسی شود. بدون شک گسترش روابط دو کشور در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی،

نظامی و علمی موجب شده است که روابط فرهنگی دو کشور نیز تسهیل گردد. البته باید توجه داشت که افزایش همکاری‌ها در بخش فرهنگی به تعمیق و گسترش روابط دوجانبه در بخش‌های دیگر به خصوص سیاسی و اقتصادی نیز منجر خواهد شد. با توجه به نقش کلیدی روابط فرهنگی، به نظر می‌رسد باید از تمامی ظرفیت‌های موجود جهت گسترش روزافزون همکاری‌های فرهنگی استفاده نمود. بررسی پرونده فعالیت‌های فرهنگی کشورمان در روسیه، نویدبخش توسعه بیش از پیش روابط دو کشور در آینده خواهد بود.

منابع و مآخذ

فارسی

- اخوان کاظمی، مسعود و حدیث مرادی، ۱۳۹۰، «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۷۴، صص ۳۰-۱.
- افضلی، رسول و دیگران، ۱۳۹۷، «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۸، ش ۲، صص ۱۴۲-۱۲۱.
- دهشیری، محمدرضا، ۱۳۹۰، «حکمت اسلامی، رویکرد تمدنی به دیپلماسی فرهنگی»، *مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل*، س ۱، پش ۳، صص ۳۹-۳۰.
- ذوالفقاری، مهدی و فرزانه دشتی، ۱۳۹۷، «مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، *مطالعات قدرت نرم*، س ۸، ش ۱۹، صص ۱۵۳-۱۲۷.
- رفیعی قهساره، ابوذر، ۱۳۹۷، «الگوها و شاخص‌های سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم کشورها»، *مطالعات قدرت نرم*، س ۸، ش ۱۹، صص ۳۴-۹.
- یوز، جولی، ۱۳۸۷، *فرهنگ و روابط بین‌الملل*، چ ۱، ترجمه: محسن بیات، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سیمبر، رضا و احمدعلی مقیمی، ۱۳۹۴، «منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست جهانی*، دوره چهارم، ش ۱، صص ۳۸-۷.
- صالحی امیری، سید رضا و سعید محمدی، ۱۳۸۹، *دیپلماسی فرهنگی*، چ ۱، تهران: ققنوس.
- صدرپور، سید امیرحسین و دیگران، ۱۳۹۵، «بررسی سازوکار نوین دیپلماسی عمومی بر مبنای نظریه قدرت نرم جوزف نای»، *مطالعات قدرت نرم*، س ۶، ش ۱۴، صص ۱۸۳-۱۶۶.
- کریمی ریایی، الهه، ۱۳۸۸، «روابط فرهنگی ایران و روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۶۶، صص ۱۹۰-۱۷۵.
- نوروزی، مهناز، ۱۳۹۲، «جایگاه زبان و ادب فارسی در روسیه: نگاهی بر پیشینه مطالعات ایران‌شناسی و ترجمه آثار فارسی در روسیه»، هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، زنجان: <https://civilica.com/doc/319795>
- نقشه مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۳، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۹/۵

<https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web>
 سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۹/۵
<https://www.farhang.gov.ir/fa/intro/subordinate/cultureorganization>
 سایت بنیاد سعدی، اساسنامه بنیاد سعدی، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۹/۵
<https://saadifoundation.ir/fa/page/158/%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8>
 رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در مسکو، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۹/۵
www.moscow.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=121&pageid=26491
 سایت مرکز فرهنگ اسلامی مسکو، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۹/۵
<https://icrus.ru/%d8%af%d8%b1%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d9%87->

لاتین

- Malone, G. D., 1998, *Political Advocacy and Cultural Communication*, Organizing the Nation's Public Diplomacy, University Press of America.
- Nye, J. S., 2004, *Soft Power: The Means to Successes in World Policy*, New York: Public Affairs.
- Зотова Ю. А., 2021, Взаимное восприятие в современных российско-иранских отношениях: образ России и Ирана в школьных учебниках истории двух стран // *Вестник Российского университета дружбы народов. Серия: Международные отношения*. Т. 21. № 1. С. 157—170. DOI: 10.22363/2313-0660-2021-21-1-157-170.
- Исвков С. А., 2018, «Мягкая» и «жесткая» сила во внешней политике Исламской Республики Иран: роль гуманитарной дипломатии / А. С. Исаков // *Сборник материалов всероссийской молодежной научной конференции «Гуманитарная дипломатия: личность, социум и мир»*, Екатеринбург, 20-21 апреля г., Екатеринбург: Издательство Уральского университета. – С.рр. 15-19.
- Курылев К. П., Никулин М. А., Гончарова А. А., 2017, "Мягкая сила культурной дипломатии исламской республики Иран" *Вестник Московского государственного областного университета. Серия: История и политические науки*, Номер 2. СС. 46-55.
- Мир Мохаммад Садеги С. М., Хаджи Мине Р., 2019, Роль «мягкой силы» Ирана в борьбе против иранофобии. *Вестник МГИМО-Университета*.12(4):216-238. <https://doi.org/10.24833/2071-8160-2019-4-67-216-238>.
- Полищук А. И., 2019, ИСТОРИКО-КУЛЬТУРНОЕ НАСЛЕДИЕ РОССИИ И ИРАНА: ПРОБЛЕМЫ И ПРОТИВОРЕЧИЯ В сборнике: *Диалог культур и цивилизаций. Материалы Международной научно-практической конференции*. 2019. С. 568-574.
- Полищук А. И., Соболева А. С., Карими Риabi Э., 2018, Развитие российско-иранских культурных связей в начале XXI в. // *Вестник Российского университета дружбы народов. Серия: Международные отношения*. Т. 18. № 2. С. 368—386. DOI: 10.22363/2313-0660-2018-18-2-368-386.